

ترس از رقیب نابرابر

مصاحبه «اقتصاد ایران» با آقای غلامرضا سلامی، عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه

اقتصاد ایران: در حال حاضر، وضعیت

و جایگاه بخش خصوصی را در اقتصاد کشور چطور می‌بینید؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید تعریف درستی از بخش خصوصی ارائه کرد. در عرف اقتصاد، بخش خصوصی آن بخش از اقتصاد است که در اختیار بخش عمومی نبوده و توانایی خلق ارزش افزوده بیشتری از راه استفاده بهینه از منابع مالی، نیروی



به شبه دولتی‌ها منتقل شده و یا واگذاری به بخش خصوصی، بدون انتقال مدیریت صورت گیرد، زیرا این موضوع، پاسخگویی و نظارت را بعد از واگذاری تضعیف می‌کند.

به عنوان مثال، سهام عدالت به بخش خصوصی واگذار شده، اما عملاً به دلیل این که اعضای تعاونی‌ها، انسجام لازم و قدرت تصمیم‌گیری را در رابطه با این سهام ندارند، هیچ کس

جوابگوی سوء مدیریت‌های احتمالی نخواهد بود.

اقتصاد ایران: اگر مدیریت هم به بخش خصوصی واگذار می‌شد، آیا انحصار خصوصی به وجود نمی‌آید؟

به اعتقاد من خیلی زود است که این نوع انحصار به دست بخش خصوصی بیفتد. حتی در اقتصاد کشورهای اروپایی، ایجاد چنین انحصاری دشوار است. البته در آمریکا این نگرانی وجود داشت و از این بابت، صدماتی به وجود آمدند. به همین دلیل، قانون ضد انحصار (Anti Trust) برای جلوگیری از این موضوع، وضع شد. اما در اقتصاد ایران، بخش خصوصی آنقدر کوچک است که تا در اختیار گرفتن انحصار، خیلی فاصله دارد. با این حال، بخش مهمی از قانون اصل ۴۴ به مسأله رقابت و توسعه آن و جلوگیری از انحصار اختصاص یافته و بر همین اساس، شورای رقابت تشکیل شده است. به نظر من، اگر رقابت واقعی در بخش خصوصی به وجود بیاید، بسیار بعید است به این زودی‌ها شاهد انحصار باشیم، مگر آن که مقررات یا سیستم واگذاری‌ها به گونه‌ای باشند که چنین انحصاری را پدید آورند.

در مورد شبه دولتی‌ها وضع فرق می‌کند. خطر ایجاد انحصار توسط این گروه به مراتب بیشتر است، چرا که شبه دولتی‌ها پول و قدرت را توأمان در اختیار دارند و به راحتی می‌توانند در جهت منافع گروه خاصی حرکت کنند.

اقتصاد ایران: به عقیده شما، چه اصلاحاتی باید در قانون اصل ۴۴ انجام گیرند؟

یکی از مشکلات قانون اصل ۴۴ عدم ارائه تعریف دقیق از بخش خصوصی است که این مسأله باید بازنگری شود. همچنین باید به نحوی جلوی رشد بی‌رویه بخش شبه دولتی گرفته شود. علاوه بر این، برخی مقررات دست و پا گیر برای بخش خصوصی وضع شده است. مثلاً مدیران

انسانی و نوآوری داشته باشد. اگر این تعریف را برای اقتصاد ایران ملاک قرار دهیم، جایگاه بخش خصوصی در قیاس با بخش عمومی به شدت ضعیف است و اکثر بنگاه‌های بزرگ اقتصادی یا دست دولت‌اند یا شبه دولتی‌ها. همان طور که می‌دانید در اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد کشور به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده که بخش‌های خصوصی و تعاونی، مستقیماً متعلق به مردم می‌باشند. خارج از این دو، مابقی جزو بخش عمومی و دولتی محسوب می‌شوند و آنچه که هم‌اکنون به عنوان مؤسسات عمومی غیردولتی مطرح‌اند، از نظر قانون اساسی، دولتی به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، بنگاهی که دولت و نهادهای دولتی و حاکمیتی بتوانند در تعیین مدیران آن نقش آفرینی کنند، بخش عمومی است - چه منافع آن به همه اختصاص یابند و چه به گروه یا عده‌ای خاص تعلق گیرند. از طرف دیگر، تعاونی‌های غیربهره‌ور و کسبه جزء و کشاورزان خرده مالک را نمی‌توان در قالب این تعریف گنجانند. بنابراین در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سهم بخش خصوصی از کل اقتصاد کشور در مقطع فعلی حدود ۲۰ درصد است.

اقتصاد ایران: با توجه به روندی که در واگذاری اموال دولت به شبه دولتی‌ها شاهدیم، آیا بهتر نبود دولت کلاً اقدام به واگذاری نمی‌کرد؟

حرف شما کاملاً درست است. اگر قرار باشد دولت در اداره نهادها نقش اصلی را ایفا کند، چه بهتر که این بنگاه‌ها تابع مقررات نظارتی بنگاه‌های دولتی باشند. اگر خصوصی سازی صرفاً باعث برداشته شدن این نظارت‌ها گردد، قطعاً نقض غرض اتفاق افتاده است، چرا که این کار، حرف منتقدان خصوصی سازی به شیوه فعلی را ضعیف‌تر از قبل می‌کند. حرف منتقدان خصوصی سازی‌های فعلی نیز این است که نباید مالکیت از دولت

شرکت‌های واگذار شده تا ۵ سال حق کاهش تعداد کارکنان خود را ندارند که این موضوع با توجه به بهره‌وری کم نیروی کار شرکت‌های دولتی پیش از واگذاری، برای مدیران جدید مشکل ساز می‌شود. همچنین موضوع ارزش‌گذاری سهام شرکت‌های دولتی باید قدری شفاف‌تر و علمی‌تر شود و در عین حال، واگذاری به عموم و یا عرضه سهام عدالت باید در قالب واگذاری به بخش خصوصی انجام گیرد. به طور مثال، واگذار کردن ۱۰۰ درصد سهام یک شرکت منوط به این باشد که ۴۰ درصد بعد از خرید به عموم عرضه شود. تعاونی‌های سهام عدالت نیز در یک رقابت عادلانه، این ۴۰ درصد را خریداری کنند و در واقع، به جای شرکت سهامی عام تعاونی، شرکت سهامی عام واقعی طبق قانون تجارت ایجاد شود. این به آن معنا است که یک گروه مدیریت و رهبری، متشکل از سهام‌داران عمده وجود داشته باشد و قسمت عمده‌ای از سهام شرکت در اختیار عموم مردم بوده و در بورس معامله شود. این کار ضمن این که روز به روز شرکت را بزرگتر می‌کند، امکان مشارکت مردم را هم فراهم می‌آورد.

اقتصاد ایران: در حال حاضر، چه مشکلاتی پیش روی

بخش خصوصی برای رقابت با دولت وجود دارند؟ رقابت بین بخش خصوصی و دولت، اصولاً غیرممکن است، چرا که هم پول و هم قدرت در اختیار دولت است و بخش خصوصی فاقد این دو مؤلفه می‌باشد؛ مگر آن که بخش خصوصی آنقدر قوی باشد و مقررات آن به حلی سفت و سخت باشند که بتواند در برخی صنایع با دولت رقابت نماید که با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران بسیار بعید است.

متأسفانه ما مردمی سازی را با خصوصی سازی اشتباه گرفته‌ایم. از نظر من مردمی سازی اصلاً مفهومی ندارد، چرا که دولت در اصل نماینده مردم است و شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی را به نیابت از مردم اداره می‌کند و قاعدتاً منافع حاصل از اقدامات دولت باید به جیب عموم مردم برونند. لذا این که دولت مال مردم را به خود آنها بدهد و بعد خود آن را اداره کند، مشکلی حل نمی‌شود.

اقتصاد ایران: با توجه به روند خصوصی سازی‌های انجام گرفته و ادامه آنها در آینده و همچنین شرایط حاکم بر اقتصاد، پیش‌بینی شما از اقتصاد ۹۰ چگونه است؟

به نظر من، با توجه به نحوه خصوصی سازی و توزیع درآمدهای دولت، قطعاً رانت‌هایی ایجاد خواهند شد و برخی فرصت‌ها نصیب عده‌ای معدود می‌شوند. در این شرایط، باید مقرراتی وضع شوند که پول‌های ناعادلانه‌ای که بعضاً نصیب برخی افراد شده، حداقل در مسیر سرمایه‌گذاری مولد و توسعه اقتصاد قرار گیرند که اگر چنین شود، باز هم ضرر زیادی نکرده‌ایم. اگر مقررات به گونه‌ای باشند که رانت ایجاد شده صرف امور منفعت

مباحثی همچون بازار پولی، سیاست‌های تجاری، ریسک‌ها در اقتصاد و بازار کار و مقررات مربوط به آن، روی آینده این طرح تأثیر گذار خواهند بود. ■

حامی صادرات

چرا باید سرمایه بانک توسعه صادرات افزایش یابد؟

دولت در لایحه بودجه

۹۰ کل کشور پیشنهاد داده که بانک مرکزی به منظور افتتاح خط اعتبار ارزی برای افزایش سهم تسهیلات ارزی بانک توسعه صادرات ایران و



سایر بانک‌های دولتی، ۸ میلیارد دلار به این امر اختصاص دهد.

بر این اساس، سپرده گذاری دولتی این ۸ میلیارد دلار در کنار ۱۲ میلیارد دلار موجودی فعلی صندوق توسعه ملی که از سال جاری در خدمت سرمایه گذاران خصوصی و تعاونی غیردولتی قرار می‌گیرد، امکان استفاده از دست کم ۲۰ میلیارد دلار منابع ارزی را جهت تسهیلات دهی بانک‌های عامل، برای سرمایه گذاران در کشور فراهم می‌کند.

در زمینه توسعه صادرات غیرنفتی، یکی از راه‌های کسب توانایی رقابت در بازارهای جهانی، توسعه تولید صادراتی است که در این رابطه، در اختیار داشتن سرمایه کافی جهت پوشش ریسک اعتباری تسهیلات اعطایی نقشی اساسی دارد.

از سوی دیگر، برای رسیدن به رقم ۶۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی بر اساس چشم‌انداز برنامه پنجم که بیش از دو برابر رقم فعلی است، باید رویکردها تغییر کنند. اگر بخواهیم حتی ۱۰ درصد صادرات غیرنفتی را هم پوشش بدهیم، باید سرمایه بانک را به بیش از ۶ میلیارد دلار برسانیم، در حالی که هم‌اکنون این رقم ۱/۶ میلیارد دلار است. در سال ۸۸ سرمایه بانک توسعه صادرات تنها حدود ۶/۵ درصد از صادرات غیرنفتی را پوشش می‌داد که در صورت پوشش ۱۰ درصدی رقم صادرات غیرنفتی در برنامه پنجم، سرمایه بانک باید به ۶ هزار و ۴۰۰ میلیون دلار افزایش یابد.

لازم به ذکر است افزایش سرمایه بانک، علاوه بر توسعه صادرات غیرنفتی، زمینه‌ساز مواردی، چون تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ صادراتی، حضور در صحنه رقابتی مؤسسات مالی بین‌المللی، بهینه‌سازی وضعیت بانک از نظر مدیریت انواع ریسک‌های اعتباری، کنترل ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز، اعمال سیاست‌های تشویقی در قالب اعطای جوایز صادراتی و حضور مؤثر در منطقه از طریق تأسیس شعب خارجی را فراهم می‌آورد.

چه بسا روزی برسد که به طور کامل توان رقابتی خود را در دنیا از دست بدهیم و فروپاشی اقتصادی داشته باشیم. البته شاید تا زمانی که افزایش قیمت جهانی نفت ادامه داشته باشد، بیماری اقتصادی ما پنهان بماند و خیلی دیر متوجه این مشکل بشویم.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

طلبانه، زود بازده و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت شود، به اقتصاد کشور ضربه خواهد زد، کما این که هم‌اکنون هم ضربه زده است. اگر همین روندی که حاکم است ادامه یابد، من آینده خوبی برای اقتصاد کشور پیش‌بینی نمی‌کنم، چرا که ما با قرار دادن تولید کنندگان در برابر بخش دولتی و شبه دولتی قوی از یک طرف و کالاهای وارداتی از طرف دیگر، آنها را از دایره رقابت خارج می‌کنیم و

واحدهای تولیدی و ریسک‌های ۹۰

بخش خصوصی "زیر آبی" نمی‌رود!

دیدگاه آقای جعفر ذره بینی، رییس هیأت مدیره شرکت پریس

به اصطلاح "زیر آبی" می‌رود؟ قطعاً جواب این سؤال منفی است. نباید حساب تعداد معدودی سودجو را به کل بخش خصوصی کشور بسط دهیم. مضاف بر این، چنین اقداماتی هیچ سنخیتی با اجرای اصل ۴۴ و آزاد سازی اقتصاد - که باید پس از هدفمند سازی یارانه‌ها تحقق یابد - ندارد.



اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها از طرح هفت گانه تحول اقتصادی در سال گذشته، تأثیر بسزایی بر تولید و صنعت کشور بر جای خواهد گذاشت که بیشترین اثر آن، روی صنایع انرژی‌بر همچون سیمان، فولاد و کاشی خواهد بود. اما سؤالی که باید در این بین مطرح شود این است که آیا به این اندیشیده‌ایم با افزایش چند صد درصدی قیمت این حامل‌ها - آن هم یک شبه، نه در طول ۵ سال - این واحدها چگونه دوام خواهند آورد؟

راهکارها

برای آن که بتوانیم این قانون را به بهترین نحو اجرا کنیم، باید برخی اصلاحات را در اقتصاد کشور انجام دهیم. اصلاح شبکه ریلی کشور که شاه‌رگ صنعت به حساب می‌آید، آزاد سازی اقتصاد و تعیین قیمت بر مبنای نظام عرضه و تقاضا و توسعه بازار سرمایه برای پوشش دادن مشکلات نظام بانکی از مواردی‌اند که باید در سال جدید در دستور کار قرار گیرند. واحدهای صنعتی ما در حال حاضر با نرخ‌های ۲۶ تا ۳۰ درصدی از بانک‌های خصوصی - و ۷ تا ۸ درصد کمتر، از بانک‌های دولتی - وام دریافت می‌کنند و اگر دیرکردی هم روی بازپرداخت وام خود داشته باشند، باید ۶ درصد جریمه پرداخت کنند. اما آیا واقعاً صنعتی را در بخش خصوصی سراغ داریم که سود ۳۰ درصدی داشته باشد؟

بخش خصوصی و سال جدید

در سال ۹۰ به طور قطع، فشار بر روی واحدهای تولیدی بخش خصوصی بیشتر خواهد شد و بسیاری از واحدها از گردونه اقتصاد حذف می‌شوند. اجرای کارآمد این طرح، نیاز به زمانی دو تا سه ساله دارد تا زمینه تطبیق صنایع با شرایط جدید فراهم شود. مضاف بر این، اگر علاوه بر راهکارهای ذکر شده، روی سیاست‌های بهینه‌سازی ارزی و توسعه بازارهای مالی سرمایه گذاری کنیم، می‌توانیم جلوی شوک این طرح را در سال جاری بگیریم. همچنین باید بدانیم

از آنجا که عمدتاً عمر ماشین آلات صنایع ما ۲۵ تا ۳۰ سال است، نمی‌توان آنها را به سرعت جایگزین کرد. باید راه افزایش بهره‌وری انرژی را به این واحدها تعلیم دهیم تا با کمترین مشکل مواجه شوند.

در این بین، در کنار بسیاری از مشکلات موجود در اقتصاد از جمله قانون کار، نظام بانکی، مالیاتی و رکود، ما با معضل مهم دیگری به نام بیکاری - آن هم در قشر جوان و تحصیلکرده کشور - روبه‌رو هستیم. به طور قطع، به دلیل فقدان زیرساخت‌های مطلوب هدفمند سازی یارانه‌ها، در یکی دو ماه بعد، بسیاری از واحدهای صنعتی در کشور همچون یک دومینو تعطیل می‌شوند. حتی قبل از نوروز، بسیاری از واحدهای صنعتی با دستمزدهای سال ۸۹ به تعدیل نیروی کار روی آورده‌اند تا بتوانند از عهده مخارج سنگین خود برآیند. متأسفانه علیرغم بحث‌های فراوان در خصوص قانون کار ۳۲ ساله کشور، در این مدت هیچ نهادی پیدا نشده که آن را به نفع هر دو طرف نیروی کار و کارفرما اصلاح کند. و در این شرایط، نحوه تعدیل نیروی کار و مشکلات آن هم قوز بالا قوز شده است.

تعزیرات و اصل ۴۴!

یک بحث دیگر که مورد انتقاد است، راه‌اندازی تعزیرات در بازار است. البته این که در بخش خصوصی هم نقایصی وجود دارند درست است، اما آیا کل بخش خصوصی کشور